

فرقه های مخرب اکثرا در جامعه ناشناخته میمانند و با زمانی شناخته میشوند که متاسفانه برای کمک به قربانیان آن بسیار دیر است. در 26 مارچ 1997 پیکر 39 مرد و زن همه ملبس به یک رنگ و نوع لباس بی جان در عمارت بسیار مجلل و بزرگ در سانداگو کالیفرنیا پیدا شد. در همان هفته که این اتفاق افتاد همه ما برای اولین بار با فرقه ای بد نام به نام "دروازه بهشت" آشنا شدیم که قبلا هیچ اطلاعی از آن نداشتیم. شنیدیم که چگونه چند تن از این افراد قبل از خودکشی، حتی خود را اخته کرده بودند و اینرا به عنوان بخشی از تزکیه و خودسازی سازیشان برای رسیدن به بهشت انجام دادند. اینگونه رهبر شصت و شش ساله این گروه به نام مارشال اپل وایت به پیروانش قبولاند که با این کار وارد بهشت روحانی و ابدی خواهند شد و سپس همه افراد با اعتماد مطلق تن به خودکشی جمعی زدند. همه به یک روش و با خوردن سم مخصوص با این اعتقاد که پس از عمل این کار موجودات ماورای عالم خاکی این گروه را به بهشت ابدی خواهند برد. این عمل فرقه "دروازه بهشت" یکی از بزرگترین تراژدی خودکشی جمعی در خاک و تاریخ آمریکا به حساب آمد. این واقعه تلخ ما را به این فکر برد که چرا این گروه دست به چنین عمل شومی زد؟ چرا حتی نه یک گروه، بلکه یک فرد چنین عملی کند و راحت از جانش دست بشوید؟

بعضی از ما به عنوان پژوهشگر برای جواب به این سوال نگاهی به تاریخچه و عقیده و باور این گروه کردیم. با اینکه تحقیق و بررسی این گروه بسیار پر ارزش و مهم بود ولی مهمتر از آن این بود که خودکشی جمعی برای همه ما سوالی بدون جواب است تا زمانیکه به ریز رفتار و اخلاق این گروه توجه کنیم.

اگر چه جهت یابی فلسفی فرقه های مخرب بسیار متفاوت است ولی روشهایشان برای رسیدن به هدفشان بسیار به هم نزدیک است. پس با توجه به مطالعه بر روی فرقه "دروازه بهشت" میتوانیم ببابیم که چگونه افراد بطور فریبنده و تجاوزگرانه از طرف فرقه های مخرب عضو گیری میشوند. و سپس با تعالیم و آموزشهای جدید آموزش میبینند و با کنترل فکری کاملا متکی به رهبر میشوند.

به عنوان نمونه داستان گیل میادر یکی از اعضای خودکشی کننده "دروازه بهشت" را مرور میکنیم:

تصاویر ویدئویی خودکشی جمعی اعضای فرقه "دروازه بهشت" دو روز پس از وقوع حادثه از تلویزیون پخش شد. الیس و رابرت میادر والدین گیل نتوانستند چهره دختر خود را تشخیص دهند. مثل بقیه اعضای گروه گیل موهایش را تراشیده بود و حلقه سیاه و گودی دور چشمانش او را سالمندتر از یک دختر 27 ساله کرده بود. خانم گیل تمام روابط خانوادگی اش را از سال 1994 با خانوادهاش قطع کرد بود. گیل پس از جدائی با دوست پسرش در شرایط بسیار روحی حساسی قرار گرفته بود و همین زمان بود که طعمه فرقه "دروازه بهشت" شد و جذب آنها شد.

بر خلاف اکثر خانواده ها خانواده گیل خیلی سریع تشخیص دادند که گیل گرفتار فرقه شده است. از همان زمان شروع کردند به تحقیق راجع به تشخیص تکنیکها و تاکتیکها که توسط فرقه برای جذب نیرو و کنترل فکری افراد بکار گرفته میشود. نخستین تاکتیکی که به آن پی بردند این بود که اکثر فرقه ها به دنبال این هستند که به افراد در موقعیت های حساس، برای مثال میتوان به مواقعی که درگیری احساس و عاطفی دارند، نزدیک شوند و با ادای اینکه احساس همدردی می کنند آنها را جذب کنند. پدر و مادر گیل همچنین به این مسئله پی بردند که مارشال اپل وایت رهبر فرقه با ادعای انتخاب آزادانه صد در صد اعضای گروه تمام آنها را تحت کنترل دارد به این صورت که رفتار هر فرد در دو لیست ثبت میشد یک لیست معروف به "گناهان بزرگ" و دیگری "گناهان کوچک" که شامل "علائق و تنفر" "قانون شکنی آگاهانه اگر مرتکب کاری بدون نفر همراه مرد نظر شود"، "اعتماد مطلق به قضاوت و عقیده رهبر" و یقینا گیل به اعتقاد و قضاوت اپل وایت اعتماد کامل کرد که متاسفانه پیامدش بسیار ویرانگر بود.

پس از عمل تاسف بار گیل و 39 نفر اعضای "دروازه بهشت"، یعنی خودکشی جمعی به دستور رهبری من موفق شدم که با الیس و رابرت مادر و پدر گیل ملاقاتی داشته باشم و آنهم در یک کنفرانس تحت عنوان "هوشیاری کامل در برابر فرقه ها". آنها اظهار داشتند کتابم با عنوان "مبارزه با فرقه های کنترل فکری" برایشان یک ناحی واقعی زندگی بود که پس از خواندن آن به یک آرامش خاطر جدی رسیدند که چرا واقعا دخترشان گیل دست به همچین عملی زد. س از شنیدن این پیام از خانواده قربانی یک فرقه من هم از صمیم وجودم امیدوارم که ای کاش کتابم ناجی واقعی برای همه کسانی باشد که هنوز دچار وهم و و یا گرفتار در فرقه هستند باشد.

به عنوان نمونه قربانیان فرقه روح گیل هم اکنون نمونههای واقعی از قربانیان گرفتار در فرقه می باشد و دیگر اعضا نیز همچین ولی با اطلاعاتی کمتر و یا هیچ. خیلی از آن 39 نفر افرادی بودند با زندگی نرمال و ثابت قبل از اینکه به دام اپل وایت بیافتند برای مثال در میان این افراد از راننده اتوبوس گرفته و تعلیم دهنده کلاس های کامپیوتر محیط زیست شناس فروشنده بنگاه ماشین پرستار کمک پزشک راننده آمبولانس خانه دار و کارمند ایستگاه تلویزیون به چشم میخورد. هر چند که حالات روحی و احساسی فرد میتواند نقش مهمی در در اسیر شدن فرد در گرداب فرقه داشته باشد ولی مهمتر این است که اگر هر فردی نسبت به مسئله تاکتیکی و کنترل فکری از طریق دیگران بی اطلاع باشد می تواند به راحتی طعمه فرقه های مخرب شود.